

## مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السلام» در نگاه آیت الله تسخیری

« مهدی عزیزی»<sup>۱</sup>

### چکیده:

از اختلافات مهم بین مذاهب اسلامی، اختلاف در مرجعیت سیاسی اهل بیت پیامبر «علیهم السلام»، و اولویت آنان بر سایرین در جانشینی رسول خدا «صلی الله علیه و آله» است. این در حالی است که در مرجعیت علمی اهل بیت و اعلمیت آنان در علم و فهم معارف دین نزاع پرننگی وجود ندارد. در این نوشتار، با استناد به آیات قرآن کریم همچون آیه تطهیر و روایاتی که از پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله» در منابع فریقین نقل شده اعلمیت و مرجعیت اهل بیت پیامبر «علیهم السلام»، در فهم و یادگیری معارف دین ثابت شده و مسلمانان مذاهب گوناگون را به این نکته مهم یعنی مرجعیت علمی اهل بیت توجه داده است. اگر تمام مسلمین در موارد اختلاف در فهم معارف دین، اهل بیت پیامبر «علیهم السلام»، را فصل الخطاب بدانند و حول محور ایشان جمع شوند بسیاری از نزاعها و اختلافات از بین رفته و راه تقریب و وحدت امت اسلامی هموار می گردد.

**کلمات کلیدی:** اهل بیت، مرجعیت علمی، تقریب مذاهب، مرجعیت سیاسی

---

۱ . مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، محقق و پژوهشگر پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی

## مقدمه:

اهمیت وحدت امت اسلامی و ضرورت پرهیز از تفرقه در امت اسلامی با وجود اختلاف مذاهب و سلائی گوناگون بر کسی پوشیده نیست. آیات متعددی از قرآن کریم نه تنها جامعه‌ی مسلمین را به اتحاد و همبستگی ترغیب می‌کند بلکه به عنوان یک دستور دینی و یک واجب مهم، مسلمانان را به وحدت امر کرده و آنان را از هر گونه تفرقه و ایجاد شکاف بین امت واحده نهی می‌کند و در این بین، تقریب مذاهب اسلامی چنانکه روشن خواهد شد به عنوان مقدمه‌ای مهم و یک راهبرد جدی برای تحقق وحدت اسلامی ضرورت خود را دوچندان نشان می‌دهد.

از زمانی که ایده‌ی تقریب مذاهب به عنوان یک دعوت رسمی از سوی دلسوزان امت اسلامی و پیشگامان تقریب مطرح شد و درباره‌ی آن کتابها و مقاله‌های متعدّد نگاشته شد تا به امروز قریب به یک قرن می‌گذرد. در این بین رویکردهای متعددی برای تقریب پیشنهاد شده است که یکی از مهمترین این رویکردها، تاکید بر مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السلام» است.

این ایده برای اولین بار توسط مرحوم آیت الله العظمی بروجردی مطرح شد و پس از ایشان مرحوم آیت الله تسخیری به عنوان یکی از موفق ترین منادیان دعوت تقریب بین مسلمین از این طرح، به عنوان یکی از مهمترین رویکردهای تقریب دفاع کرده و در تنقیح مبانی آن همت گماردند.

در این نوشتار به تبیین ماهیت این رویکرد و تشریح مبانی و لوازمات آن از نگاه آیت الله تسخیری پرداخته می‌شود.

## مرجعیت علمی یا سیاسی:

شیعه‌ی امامیه معتقد است که امامان معصوم از اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله»، جانشینان وی در شئون ولایت و سرپرستی امت اسلامی و حاکمیت سیاسی بر جامعه‌ی اسلامی، همچنین تبیین و ترویج دین و حفاظت و پاسداری آن از تحریف‌ها هستند. اگرچه در برهه‌ای از زمان، به خاطر شرایط خاص جامعه‌ی

اسلامی، اُمَّت اسلام از برخی فیوضات ائمه‌ی معصومین همچون رهبری سیاسی جامعه محروم شده‌اند ولی همواره مرجعیت علمی مسلمین و تلاش برای تبیین و پیراستگی شریعت خالص از شائبه‌ها و انحراف‌ها و هدایت‌گری اُمَّت اسلام، از وظایف اصلی امامان شیعه بوده است که حتی در شرایط سخت سیاسی بدان عمل می‌کرده‌اند.

از اختلافات مهم بین شیعه و اهل سنّت، اختلاف در مرجعیت سیاسی اهل بیت «علیهم‌السلام» بعد از رحلت رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» است. این که بعد از نبی مکرم اسلام «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» چه کسی صلاحیت حکومت بر جامعه اسلامی را داشته و آیا اساساً پیامبر اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» کسی را به عنوان جانشین بعد از خود برای زمامداری امت اسلام معرفی کرده یا خیر از دیرباز مورد مباحثه و مناقشه بین شیعه و اهل سنت و جماعت بوده است و این همان اختلاف پرننگی است که در مرجعیت سیاسی اهل بیت پیامبر «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» میان مسلمانان وجود داشته و دارد.

اما در شئون دیگر ائمه‌ی اهل بیت «علیهم‌السلام» همچون شأن تبیین و ترویج معارف دین، نزاع پرننگی بین اهل سنّت و شیعه وجود ندارد. شاهد بر این مطلب اینکه تقریباً تمام امامان مذاهب اهل سنت یا با واسطه و یا بی‌واسطه، شاگردان مکتب امامان شیعه بوده‌اند<sup>۲</sup> و عدالت و پارسایی امامان بزرگوار شیعه و همچنین علم سرشار آنان مورد قبول و اعتراف ائمه اهل سنّت بوده و هست. که در بخشهای بعدی این نوشتار به آن پرداخته می‌شود.

مرحوم آیت الله تسخیری معتقد بودند که با تفکیک بین مرجعیت سیاسی و علمی اهل بیت «علیهم‌السلام» می‌توان راهی برای وحدت بین مسلمانان ایجاد کرد و با تاکید و تقویت این رویکرد، راه تقریب میان ابناء امت اسلامی هموارتر می‌گردد.<sup>۳</sup>

---

۲. ر.ک: تسخیری، درباره‌ی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ص ۲۰۲ و یعقوب، اهل بیت محور وحدت، ص ۲۸۰

۳. ر.ک: تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۸۶

## ۲. جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام در میان امت اسلامی:

مسلمانان با همه اختلافات علمی و وجود مکتبهای فقهی و کلامی گوناگون در میان آنها همواره به اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» نگاهی ویژه داشته اند و جایگاه علمی و معنوی آنها را برتر از سایر صحابه و تابعان و فقها می دانستند. اگر سیاستهای ظالمانه حکام اموی و عباسی نبود، این جایگاه بلند همچنان استوارتر در دلهای مسلمانان باقی می ماند. تمام تلاش حاکمان جور برای خاموش کردن نور اهل بیت «علیهم السلام» و حذف فیزیکی آنها هم بدین سبب بوده که این جایگاه بلند علمی و معنوی را در نگاه امت اسلامی خدشه دار کرده و توجه مسلمانان را از اهل بیت و مرجعیتشان به سوی دیگران متوجه سازند.<sup>۴</sup>

در عصر خلفا، با همه شرایط پیچیده ای که بر جامعه اسلامی حاکم بود، امام علی بن ابی طالب «علیه السلام» در بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی و احکام شرعی به عنوان مرجعی برای مشورت و حلّ مشکل از سوی مردم و خلفا قلمداد می شد و عبارات معروف خلیفه دوم که گفت: «لولا علی لهلك عمر»<sup>۵</sup> یا «انت (یا علی) خیرهم فتوی»<sup>۶</sup> یا ارجاع همسران پیامبر به امام علی بن ابی طالب «علیه السلام» با این تعبیر که «إِنَّ عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَعْلَمُ مِنِّي»<sup>۷</sup> شاهد بر این مدعاست.

در عصر خلفای اموی و عباسی نیز امامان اهل بیت «علیهم السلام» پیوسته محل رجوع عالمان و فقهاء در مسائل دینی بوده اند که تاریخ زندگانی آنان به روشنی گواه بر این مدعاست. شاعران بزرگ عرب در آن روزگار نیز همچون «فرزدق»، «ابونؤاس» و «ابو فراس حمدانی» که با سرودن قصایدی حاوی زیباترین عبارتها درباره جایگاه علمی و معنوی اهل بیت «علیهم السلام»<sup>۸</sup>، از جهت گیری افکار عمومی نسبت به این جایگاه رفیع حکایت می کنند، شاهد دیگری بر فضای فکری حاکم بر جامعه آن روزگار می باشد.

---

۴. ر.ک: تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۸.  
۵. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۱۷۲، این موضوع را بسیاری از کتابهای حدیث و تاریخ روایت کرده اند.  
۶. ابن سعد، الطبقات، ج ۲، ص ۳۳۹.  
۷. حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴.  
۸. ر.ک: تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۳-۵۶.

### ۳. جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام نزد پیشوایان مذاهب:

بسیاری از ائمه مذاهب اسلامی و فقهای بزرگ به طور مستقیم یا با واسطه، نزد ائمه اهل بیت به ویژه امام صادق «علیه السلام» درس خوانده و شاگردی کرده بودند که این خود نشان از مرجعیت علمی آن بزرگواران دارد. حافظ ابن عقده نام چهارهزار نفر از فقها و محدثانی که از امام صادق «علیه السلام» روایت کرده اند یا نزد او درس خوانده اند را ذکر کرده است که از جمله آنها می توان از: «مالک بن انس اصبیحی»، «ابوحنیفه نعمان بن ثابت»، «یحیی ابن سعید»، «سفیان ثوری»، «ابن جریر» نام برد.

ذهبی در تذکرة الحفاظ از قول ابوحنیفه امام حنفیان نقل می کند که وی گفت: «ما رأیت أفضه من جعفر بن محمد»؛ من کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد ندیدم.<sup>۹</sup>

مالک ابن انس اصبیحی پیشوای مذهب مالکی نیز در مورد شخصیت امام جعفر صادق «علیه السلام» می گوید: «مارأت عین و لاسمعت أذن و لاخطر علی قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد علماً و عبادتاً و ورعاً»؛ هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده کسی که از حیث علم و عبادت و تقوا از جعفر بن محمد با فضیلت تر باشد.<sup>۱۰</sup>

این عبارت معروف از ابوحنیفه امام بزرگ حنفیان که گفته است: «اگر آن دو سال نبود، نعمان - که همان ابوحنیفه است - هلاک می شد»<sup>۱۱</sup>؛ نیز نشان از اعتراف به اوج مقام علمی اهل بیت «علیهم السلام» و استفاده ی علمی از خرمین اهل بیت «علیهم السلام» توسط امامان اهل سنت دارد.

۹. ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶

۱۰. ر.ک: حکیم، اعلام الهدایة، ج ۸، ص ۱۹

۱۱. ر.ک: حکیمی، لولاسنتان لهلک النعمان، ص ۵

#### ۴. مبانی رویکرد مرجعیت علمی:

##### الف) قرآن کریم:

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که اوج مقام علمی و معنوی اهل بیت «علیهم السلام» را نشان می دهد و به نوعی آنان را به عنوان محلی برای رجوع و دریافت معارف دین معرفی می کند. در این نوشتار به برخی از این آیات اشاره می شود.

##### ۱. آیه ذکر:

در آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیاء آمده است: « فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون»، اگر نمی دانید از اهل ذکر سوال کنید.

پرسش اساسی این است که این «اهل ذکر» که قرآن کریم، مردم را به آنها ارجاع داده چه کسانی هستند؟ در روایات متعددی که در منابع فریقین موجود است، اهل بیت پیامبر به عنوان اهل ذکر معرفی شده اند. و بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت این معنا را پذیرفته اند. در تفسیر طبری به سندش از جابر جعفی آمده است: هنگامی که این آیه نازل شد علی «علیه السلام» فرمود: «نحن اهل الذکر» اهل ذکر ما هستیم.<sup>۱۲</sup> حارث می گوید: از علی علیه السلام درباره آیه « فاسألوا اهل الذکر» پرسیدم فرمود: به خدا قسم ما اهل ذکر هستیم، ما اهل علم هستیم، ما معدن تأویل و تنزیل هستیم.<sup>۱۳</sup>

##### ۲. راسخان در علم:

در آیه ۷ آل عمران درباره این که چه کسی تأویل قرآن را می داند آمده است:

---

۱۲ . طبری، ابن جریر، تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۲۹  
۱۳ . حاکم نیشابوری، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، ج ۱، ص ۴۳۲

« و ما يعلم تأويله إلا الله و الراسخون في العلم » ؛ تأويل قرآن را کسی جز خداوند و راسخان در علم نمی داند.

بسیاری از مفسران شیعه و سنی، اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» را مصداق بارز راسخان در علم دانسته اند و گروه دیگر از آنان، این مفهوم را منحصر در اهل بیت «علیهم السلام» می دانند.

امام علی «علیه السلام» در خطبه ای می فرماید:

« این الذین زعموا أنهم الراسخون في العلم دوننا كذباً و بغياً علينا ان رفعنا الله و وضعهم و اعطانا و حرّمهم و ادخلنا و اخرجهم بنا يستعطى الهدى و يستجلى العمى »<sup>۱۴</sup>

کجایند کسانی که پنداشتند آنان \_ نه ما \_ دانایان علم قرآنند؟ به دروغ و ستمی که بر ما می رانند. خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته؛ به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته؛ ما را در \_ رحمت و عنایت خود \_ در آورده و آنان را از آن برون کرده است. راه هدایت را با راهنمایی ما می پویند و روشنی دل‌های کور را از ما می جویند.

### ۳. دارنده علم الكتاب:

قرآن کریم در آیه ۴۳ سوره رعد می فرماید: « و يقول الذین كفروا لست مرسلًا قُل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم و من عنده علم الكتاب »؛ آنان که کافر شدند می گویند تو پیامبر نیستی بگو کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب نزد اوست میان من و شما گواه باشند.

در منابع شیعه و سنی روایات متعددی وجود دارد که در آن «من عنده علم الكتاب» به علی بن ابی طالب، «علیه السلام» تفسیر شده است.

ابوسعید خدری می گوید: از رسول خدا درباره این آیه سوال کردم؛ ایشان فرمودند: او برادر من علی بن ابی طالب است.<sup>۱۵</sup>

---

۱۴ . نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴، و ابن شهر آشوب ، المناقب، ج ۱، ص ۲۸۵  
۱۵ . قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۰۷ و حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴، حدیث ۴۲۲

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل نیز چند روایت را نقل می‌کند که مراد از کسی که علم کتاب در نزد او است، حضرت علی «علیه السلام» می‌باشد. از جمله آنها روایتی است که از طریق ابن عباس و محمد حنفیه نقل می‌کند که از ابن عباس و ابن حنفیه راجع به آیه مزبور سوال شد گفتند: کسی که علم کتاب در نزد او است علی بن ابی طالب «علیه السلام» می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

#### ۴. آیه تطهیر:

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خداوند فقط می‌خواهد تا آلودگی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را کاملاً پاک سازد.

با توجه به واژه «انّما» در آیه شریفه، اراده الهی نسبت به زدودن پلیدی، تنها اختصاص به اهل بیت پیامبر داشته و شامل دیگران نمی‌شود به خاطر همین نکته است که این آیه شریفه بر عنایت ویژه خداوند به اهل بیت پیامبرش و دوری آنان از هرگونه لغزش و انحراف تأکید می‌کند تا آنان نمونه‌های بلند انسانیت باشند و در اختلافات سیاسی و اجتماعی بین مسلمانان و همچنین معارف دین، محلی برای رجوع مسلمانان باشند.

در روایات شیعه و سنی در تفسیر این آیه، چهار نفر از نزدیک‌ترین خانواده پیامبر یعنی امام علی «علیه السلام» و حضرت فاطمه زهرا «سلام الله علیها» و امام حسن و امام حسین «علیهم السلام» به عنوان مصداق «اهل البیت» از سوی پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» معرفی شده‌اند که اکثر اسانید این روایات از صحاح سته و سایر موسوعات حدیثی اهل سنت نقل شده است<sup>۱۷</sup> تا جایی که تعداد این روایات، طبق نقل فریقین، بیش از هفتاد روایت است.<sup>۱۸</sup>

سیوطی در الدر المنثور در ذیل این آیه شریفه چندین روایت آورده است که مقصود از اهل البیت در این آیه علی و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السلام» هستند.<sup>۱۹</sup>

۱۶ . حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۲

۱۷ . ر.ک: محمدی ری شهری، اهل البیت فی الکتاب و السنة، ص ۲۷-۵۰

۱۸ . ر.ک: گروه پژوهش، در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲۲، ص ۵۸

۱۹ . ر.ک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۳-۶۰۷

در روایات متعددی وارد شده که پیامبر «صلی الله علیه وآله» بعد از نزول این آیه مدت چهل روز، یا شش ماه، یا هشت ماه، یا بیشتر، هنگام نماز صبح یا تمام نمازها به هنگامی که از کنار خانه فاطمه زهرا «علیها السلام» می گذشت صدا می زد: «الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» و بعد این آیه را تلاوت می فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» و یا طبق بعضی از روایات می فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ» و بعد می فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۲۰</sup>

ب) سَنَتِ نَبِيِّ:

۱. حدیث کساء:

این حدیث با الفاظ گوناگون در منابع شیعه و سنی نقل شده است که بیانگر عظمت شأن و مرجعیت اهل بیت «علیهم السلام» می باشد. در بعضی از نقل ها این گونه وارد شده است:

أخذ رسول الله «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» ثوبه فوضعه على علي و فاطمه و حسن و حسين و قال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ پیامبر اکرم عبايش را گرفت و روی علی و فاطمه و حسن و حسین انداخت و فرمود: همانا خداوند می خواهد هرگونه آلودگی گناه را از شما برده و شما را کاملاً پاک کند.<sup>۲۱</sup>

از ام سلمه همسر مکرمه رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» این گونه نقل شده است که وقتی آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» نازل شد رسول خدا، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و بر آنان عبايي خيبري انداخت و فرمود: خدايا اينان اهل بيت من هستند، خدايا پليدي را از آنان ببر و آنان را پاک و پاکيزه بگردان. ام سلمه می گوید: من به پیامبر عرض کردم: آیا من از آنان (اهل بیت) نیستم؟ پیامبر فرمود تو به سوی خیر هستی (و در مسیر خیر حرکت می کنی).<sup>۲۲</sup>

۲۰ . حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱، ۲۸ و ۲۹ و سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶.

۲۱ . حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۳، حدیث ۴۶۵۲ و احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۷۰۸، حدیث ۳۰۶۲

۲۲ . ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۲ و المعجم الكبير، ج ۳، ص ۵۲ و حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸

این حدیث را جمع دیگری از صحابه همچون ابوسعید خدری، ابوبرزه، ابوالحمراء، انس بن مالک، براء بن عازب، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، زید بن ارقم، سعد ابن ابی وقاص، عبدالله بن جعفر، عمر ابن ابی سلمه و دیگران نقل کرده اند.<sup>۲۳</sup>

## ۲. حدیث ثقلین:

از مهم ترین مبانی این روی کرد، حدیث معروف ثقلین است که به تواتر از راویان شیعه و اهل سنت نقل شده است.<sup>۲۴</sup> علامه شرف الدین عاملی پس از آنکه طرق صحیح نقل این حدیث را متواتر می داند از ابن حجر نقل می کند که بیش از بیست طریق برای این حدیث شریف از صحابه ی رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» وجود دارد.<sup>۲۵</sup> آیت الله العظمی بروجردی در جلد اول کتاب جامع احادیث شیعه ضمن تحقیق جامعی پیرامون حدیث ثقلین می نویسد:

«این حدیث مورد اجماع فریقین است و سی و چهار تن از مردان و زنان صحابه و بیش از صد و هشتاد تن از بزرگان، دانشمندان و محدثان مشهور اهل سنت در سنن و جوامع حدیثی خود با سندهای صحیح آن را نقل کرده اند»<sup>۲۶</sup>

حدیث شریف ثقلین با الفاظ گوناگون در مجامع معتبر حدیث شیعه و سنی نقل شده است.<sup>۲۷</sup> احمد بن حنبل در کتاب معروف خود به نام «مسند احمد» حدیث ثقلین را این گونه نقل می کند:

---

۲۳ . ر.ک: تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۳-۲۵  
۲۴ . ر.ک: صدقی آلانق، نشریه سراج منیر، شماره ۱۸، ص ۱۳۷ و رسولی، اندیشه تقریب، شماره ۱۲، ص ۸۵  
۲۵ . شرف الدین، المراجعات، ص ۲۲-۲۱  
۲۶ . بروجردی، جامع احادیث شیعه، ج ۱، ص ۴۶  
۲۷ . مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۰۶۱، حدیث ۲۴۰۸؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵، کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۱۵، مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم»: انى تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر  
كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهليتي و انهما لن يفترقا حتى يردا  
على الحوض»<sup>۲۸</sup>

هرچند این حدیث شریف با الفاظ گوناگون و طرق مختلف نقل شده است ولی همه‌ی آنها حکایت  
از یک واقعیت دارند و آن مرجعیت اهلیت پیامبر اکرم «صلى الله عليه وآله وسلم» در کنار قرآن کریم برای  
هدایت بشر است.

در این حدیث پیامبر اکرم «صلى الله عليه وآله وسلم» اُمّت را به دو شیء گران بها یعنی کتاب و عترت  
ارجاع داده‌اند و فرموده‌اند که این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند.<sup>۲۹</sup> بنابراین اهلیت پیامبر، به عنوان  
مرجعى برای دریافت معارف دین که همواره با قرآن یعنی منبع وحی اتصال و اقتران دارند از سوی  
پیامبر اسلام «صلى الله عليه وآله وسلم» معرفی شده‌اند و اُمّت اسلام باید برای فهم دین، به این دو منبع یعنی  
قرآن و عترت مراجعه کنند تا هرگز گمراه نشوند.

بنابر حدیث ثقلین، عترت پیامبر «صلى الله عليه وآله وسلم» تا روز قیامت از قرآن جدا نمی‌شوند پس  
هرگونه رفتار یا گفتار آنان همواره مطابق قرآن بوده و این به معنای عصمت و خطاناپذیری آنان در بیان  
معارف دین است. بنابراین طبق مفاد این حدیث بهترین مرجع برای فهم معارف دین و تفسیر وحی الهی،  
عترت نبی اکرم «صلى الله عليه وآله» هستند و این مرجعیت در بیان معارف دین می‌تواند عاملی مهم برای  
تقریب بین مذاهب مختلف اسلامی به شمار آید.

---

۲۸. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴

۲۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۷

### ۳. حدیث سفینه:

یکی دیگر از احادیث مهمی که به روشنی مرجعیت اهل بیت «علیهم السلام» را نه تنها در معارف دین بلکه در تمام شئون دنیوی و اخروی بیان می کند و می تواند مستندی محکم برای تأکید بر مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السلام» برای همه مسلمانان باشد حدیث معروف سفینه است.

در این حدیث ابوذر غفاری می گوید پیامبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» فرمودند:

«أَلَا إِنَّ مَثَلِ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُمُ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ فَمَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا

غَرِقَ»<sup>۳۰</sup>؛ آگاه باشید که مثل اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح در قوم خود،

هست که هرکس سوار آن شد نجات پیدا کرد و هر کس عقب ماند غرق شد.

طبق این حدیث شریف هرکس از اهل بیت پیامبر «علیهم السلام» تبعیت کند اهل نجات خواهد بود و هر کس با آنان مخالفت ورزیده و از همراهی با آنان سرباز زند، اهل هلاکت و گمراهی خواهد بود. روشن است که یکی از بارزترین مصادیق تبعیت از اهل بیت «علیهم السلام»، پیروی و تقلید از آنان در معارف دین است.

بنابراین اهل بیت «علیهم السلام»، در این حدیث به عنوان مرجعی برای فهم و عمل به معارف دین از سوی رسول خدا «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» برای مردم معرفی شده اند.

افزون بر علمای بزرگ شیعه، جمعی از بزرگان علمای اهل سنت از جمله «حاکم نیشابوری» در المستدرک، «طبرانی» در المعجم الکبیر، «ابن ابی شیبّه» در المصنّف، «طبری» در ذخائر العقبی و «ابن مغزلی» در المناقب با طرق متعدّد و الفاظی مشابه این حدیث را از هشت صحابی پیامبر «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» نقل کرده اند.<sup>۳۱</sup>

۳۰. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳ و ینابیع الموده، ج ۱، ص ۹۴ و ابن مغزلی، المناقب، ص ۱۸۷

۳۱. ر.ک: حکمت، نشریه علوم حدیث، شماره ۵۴ و شرف الدین، المراجعات، ص ۲۳

#### ۴. داناترین مردم به کتاب و سنت:

از امام علی «علیه السلام» نقل شده که فرمودند:

« إنا نحن اهل البيت أعلم بما قال الله ورسوله »<sup>۳۲</sup> همانا ما اهل بیت پیامبر، به فرموده های خدا و پیامبرش (از دیگران) آگاه تریم.

این حدیث، بیانگر مقام علمی اهل بیت «علیهم السلام» و معرفی جایگاه بلند علمی آنها است که می توانند محل رجوع در معارف دین برای تمام مسلمانان قرار بگیرند.

#### ۵. امان امت:

عبدالله بن عباس می گوید پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» فرمودند:

« النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بيتي أمان لأمّتي من الإختلاف »<sup>۳۳</sup>؛ ستارگان،

امان اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من (نیز) امان امتم از اختلاف هستند.

این حدیث به وضوح تکلیف مسلمانان را در موارد اختلافی که عمده آن معارف دین است، روشن می سازد و اهل بیت «علیهم السلام» را به عنوان مرجع در موارد اختلاف برای مسلمانان معرفی می کند.

#### ۵. طرفداران رویکرد مرجعیت علمی:

این رویکرد به آیت الله العظمی بروجردی از مراجع بزرگ شیعه در قرن اخیر منسوب است. نظر ایشان برای تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی طبق آن چه از برخی شاگردان ایشان نقل شده است این بود که سزاوار است شیعه در عصر حاضر تنها بر مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السلام» تأکید کند و از طرح مسأله‌ی خلافت بلافصل حضرت علی «علیه السلام» و خاندان پاکش بعد از رحلت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» به عنوان یک مسأله جنجالی در بین مذاهب اسلامی خودداری نماید.

---

۳۲ . ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۴۰

۳۳ . حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۲، حدیث ۴۷۱۵

البته ایشان به هیچ وجه در نظر نداشت که مسأله‌ی خلافت سیاسی ائمه «علیهم‌السلام» را انکار نماید یا آن را کم ارزش و غیر مهم جلوه دهد بلکه ایشان با در نظر گرفتن اولویت‌ها و نیازهای ضروری مسلمانان در عصر حاضر، عقیده داشت اگر شیعه در اثبات مذهب خود به مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم‌السلام» اکتفا نماید، قادر خواهد بود پیروان سایر مذاهب را قانع سازد که تمسک به اقوال و فتاوی عترت پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» می‌تواند مسلمان‌ها را دور هم جمع گرد آورد و از اختلاف مذاهب جلوگیری کند.<sup>۳۴</sup>

در بین دعوت‌کنندگان به تقریب در عصر حاضر، مرحوم آیت الله تسخیری نیز همین رویکرد را به عنوان یکی از رویکردهایی که در عرض رویکردهای دیگر کارآیی دارد دنبال کرده و به آن معتقد بود و به همین جهت مقاله‌ای تحت همین عنوان یعنی «الوحدة الاسلامیة حول محور المرجعیة العلمیة لأهل البیت علیهم‌السلام» به نگارش درآورده و آن را به چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که با عنوان «جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در اسلام و امت اسلامی» برگزار شده بود تقدیم کرد.<sup>۳۵</sup>

## ۶. لوازم و پیامدهای رویکرد مرجعیت علمی:

یکی از مهمترین لوازم رویکرد مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم‌السلام»، رجوع به فتاوی فقهی آن بزرگواران در موارد اختلاف است. به عبارت دیگر وقتی پذیرفتیم که اهل بیت «علیهم‌السلام»، از سوی پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» به عنوان تنها راه مطمئن برای دریافت معارف دین به مردم معرفی شده‌اند و در راه‌های دیگر برای دریافت دین، تضمینی وجود ندارد، در این صورت، نظرات فقهی همه عالمان مسلمان در مقابل نظرات اهل بیت «علیهم‌السلام» از حجیت ساقط شده و همه مسلمانان لا اقل در فقه و احکام شریعت می‌بایست به اهل بیت رجوع کنند.

---

۳۴. واعظ زاده خراسانی، نشریه الهیات و معارف اسلامی، شماره ۶۰، ص ۴۰

۳۵. ر.ک: تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۸

معنای سخن بالا این نیست که برادران اهل سنت و جماعت، شیعه شوند؛ که در این صورت تقریب مذاهب، معنا ندارد زیرا تقریب در صورتی است که هر کدام از مذاهب با حفظ مذهب خویش حول یک محور جمع شده و به هم نزدیک شوند. بلکه سخن این است که صاحبان مذاهب گوناگون می توانند در شناخت معارف دین، نظر اهل بیت پیامبر را فصل الخطاب بدانند و به آن مراجعه کنند ولو اینکه به لحاظ سیاسی، همانند شیعیان معتقد به اولویت خلافت اهل بیت «علیهم السلام» نباشند. زیرا سخن بر سر مرجعیت علمی اهل بیت است نه مرجعیت سیاسی آنان.

مرحوم آیت الله تسخیری پس از بیان آیات و روایات دال بر مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السلام» می فرماید:

« به طور کلی بر حجیت آیات و روایاتی که مطرح شد، نتیجه ای عملی مترتب می شود و این همان چیزی است که همه مسلمانان را به آن دعوت می کنیم بدون این که هیچ یک از مذاهب اسلامی ویژگیهای خود را از دست بدهند»<sup>۳۶</sup>

## ۷. جمع بندی:

بر اساس ادله محکمی که در قرآن کریم و سنت نبوی موجود است اهل بیت پیامبر «علیهم السلام» به عنوان عالم ترین افراد و داناترین آنها به معارف دین بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» معرفی شده اند و اختلاف بین شیعه و سنی در اولویت اهلیت برای تصدی منصب خلافت بعد از پیامبر خدا، مانع نمی شود که مرجعیت علمی آن بزرگواران نیز محل تردید و یا اختلاف باشد زیرا بر اساس منابع روایی اهل سنت نیز، اهل بیت پیامبر «علیهم السلام»، از سوی رسول خدا «صلی الله علیه و آله» به عنوان مرجعی مطمئن برای دریافت معارف دین به مردم معرفی شده اند.

---

۳۶. تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲

نتیجه این که مرجعیت علمی اهل بیت «علیهم السّلام»، می تواند محوری برای اتحاد و تقریب بین مذاهب اسلامی باشد به این شکل که تمامی مسلمانان در موارد اختلاف، در فهم دین می توانند به فتاوا و آراء اهل بیت «علیهم السّلام» رجوع کرده و همگی حول محور ایشان به وحدت رویه فقهی برسند و با این ترتیب، از اختلاف و تشتت امت اسلام کاسته شد و راه تقریب بین مذاهب هموار می گردد.

### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغة
۳. ابن اثیر(بی تا)، أسد الغابة، ج ۲، بیروت: دارالکتاب العربی.
۴. ابن سعد،(بی تا) الطبقات الکبری، ج ۲ و ۶، بیروت: دارصادر.
۵. ابن المغازلی، علی بن محمد(۱۴۲۴ق)، مناقب امیرالمومنین، صنعاء: دارالآثار.
۶. احمد بن حنبل(بی تا)، المسند، ج ۳، بیروت: دار صادر.
۷. بیهقی، احمد بن الحسین(بی تا)، السنن الکبری، ج ۲، دارالفکر، بی جا
۸. بروجردی، سید حسین(۱۴۱۳ق)، جامع احادیث الشیعة، ج ۱، قم: نشر الصّحف
۹. تسخیری، محمد علی(۱۳۸۳ش)، درباره ی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۱۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله(۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. حاکم حسکانی(۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، ج ۱، مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة، بی جا.
۱۲. حکیمی، محمد رضا(۱۴۳۱ق)، لولالسنتان لهلک التعمان، بیروت: بی نا.

- ۱۳ . حکمت، جارج صبرالرحمة (۱۳۸۸ش)، «حدیث سفینه در کتابهای اهل سنت»، نشریه علوم حدیث، شماره ۵۴
- ۱۴ . حکیم، سید منذر (۱۴۲۲ق)، اعلام الهدایة، ج ۸، قم: المجمع العالمی لأهل البيت عليهم السلام
- ۱۵ . ذهبی، شمس الدین محمد (بی تا)، تذکرة الحفاظ، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۱۶ . رسولی، دادکریم (۱۳۸۶ش)، «حدیث ثقلین، حدیثی صحیح و متواتر»، اندیشه تقریب، شماره ۱۲
- ۱۷ . سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۳۳ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، بیروت: دارالفکر.
- ۱۸ . شرف الدین، سید عبدالحسین، المراجعات، بی جا، بی تا، مؤسسة الوفاء.
- ۱۹ . صدقی آلانق، محمد (۱۳۹۴ش)، «آراء دانشمندان فریقین درباره اهلبیت (علیهم السلام) در حدیث ثقلین»، سراج منیر، شماره ۱۸
- ۲۰ . طبرانی (۱۴۰۴ق)، المعجم الكبير، ج ۳، دار إحياء التراث العربی، بی جا
- ۲۱ . طبری، محمدابن جریر (۱۴۲۲ق)، تفسیر الطبری، ج ۱۶، قاهرة: دارهجر
- ۲۲ . قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج (۱۴۲۱ق)، صحیح مسلم، ریاض: دارالسلام، چاپ دوم.
- ۲۳ . قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، ینابیع المودة لذوی القربی، ج ۱، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- ۲۴ . کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۵ . محمدی ری شهری، اهل البيت فی الكتاب و السنة، تهران: دارالحدیث
- ۲۶ . مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ج ۲۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۲۷ . موسوی، عبدالرحیم (۱۴۳۵ق)، در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲۲، قم: مجمع جهانی اهلبیت «علیهم السلام»
- ۲۸ . نسائی، احمدبن علی (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲۹ . واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۸۲ش)، راه های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانها، نشریه الهیات و معارف اسلامی، شماره ۶۰

۳۰ . یعقوب، احمد حسین (۱۳۸۴ش)، اهل بیت محور وحدت، ترجمه‌ی جلالی، عباس، قم:  
بوستان کتاب